



یادداشت

احمدضایرانی


عضو سابق هیات رئیسه فدراسیون فوتبال

مطالبه جوانگرایی را جدی بگیرید

سرمربی تیم ملی در چهار سال اخیر فرصت کافی برای بروز توانایی‌های خود را نداشته و ناگاهی‌های متوالی در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ و جام جهانی ۲۰۲۶ باید برای مسئولان فدراسیون فوتبال، هشداری جدی نسبت به آینده تیم ملی تلقی شود. در دوران حضور در هیات‌رئیسه فدراسیون فوتبال، از انتخاب امیرقلعه‌نویی به‌عنوان سرمربی تیم ملی حمایت کردم، باور ما براین بود که زمان آن رسیده‌تا فوتبال ایران به مربیان داخلی اعتماد کند و همان فرصتی را که سالیان متعادی در اختیار مربیان خارجی قرار داده، برای مربیان ایرانی نیز فراهم آورد.

حتی پس از حذف تیم ملی از جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ در قطر و شکست برابر این تیم، من و اکثر اعضای هیات‌رئیسه همچنان از ادامه هم‌کاری با قلعه‌نویی حمایت کردیم، در آن مقطع، براین باور بودیم که پروژه جوانگرایی و نوسازی تیم ملی نیازمند زمان است و نباید بر اساس یک نتیجه یا یک نوزمنمت درباره آن قضاوت کرد. اما امروز شرایط متفاوت است. چهار سال از آغاز این مسیر گذشته و اکنون زمان ارزیابی عملکرد برپایه نتایج و دستاوردهای واقعی فرا رسیده‌است. هر پروژه فنی در فوتبال، پس از چهار سال، باید خروجی مشخص و قابل دفاعی داشته باشد و دیگر نمی‌توان صرفاً از ضرورت صبرو انتظار سخن گفت. واقعیت آن است که سرمربی تیم ملی در شمار معدود مربیان ایرانی قرار دارد که در دو مقطع متفاوت هدایت تیم ملی را بر عهده گرفته‌اند. علاوه براین، او در مجموع فرصت حضور در سه نوزمنمت بین المللی- جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۷، جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۳ و جام جهانی ۲۰۲۶ را به‌عنوان سرمربی تیم ملی داشته‌است. کمتر مربی ایرانی در فوتبال معاصر از چنین سطحی از اعتماد، حمایت و فرصت برخوردار بوده‌است. در مقابل، برخی مربیان ایرانی حتی پس از کسب نتایج قابل قبول نیز هرگز فرصت بازگشت به نیمکت تیم ملی را پیدا نکردند. ولی قلعه‌نویی برای دومین بار هدایت تیم ملی را بر عهده گرفت و در این دوره نیز چهار سال کامل فرصت داشت تا برنامه‌ها و دیدگاه‌های فنی خود را اجرا کند. بنابراین، امروز دیگر بحث «فرصت دادن» موضوعیت ندارد؛ چرا که فدراسیون فوتبال، فرصتی کافی و حتی بیش از آنچه به بسیاری از مربیان داخلی داده شده- در اختیار ایشان قرار داده‌است. از سوی دیگر، جام جهانی ۲۰۲۶ با حضور ۴۸ تیم برگزار شد و در شرایطی که آسیا از سهمیه هشت‌نیم برخوردار بود، صعود به جام جهانی دیگر دستاوردی چشمگیر تلقی نمی‌شد. تیم ملی ایران نیز در گروهی قرار گرفت که از مناسب‌ترین و آسان‌ترین گروه‌های ممکن برای صعود ارزیابی می‌شد. در چنین شرایطی، انتظار می‌رفت تیم ملی با اتکا به ثبات کادر فنی، تجربه بین‌المللی بازیکنان و زمان در اختیار، به نتایجی در شأن فوتبال ایران دست یابد. به اعتقاد من، دیدار برابر نیوزیلند نماد این ناگامی بود؛ نیمی که به‌طور بسیاری از کارشناسان، حتی برخی تیم‌های لیگ برتری ایران نیز توانایی شکست آن را داشتند. تیم ملی برای صعود تنها به یک پیروزی مقابل این حریف نیاز داشت، اما از این فرصت بهره نبرد. در مقابل، تیم‌هایی چون بلژیک و مصر موفق شدند نیوزیلند را شکست دهند. انتقادها صرفاً متوجه یک مسابقه نیست، بلکه کلیت عملکرد کادر فنی را دربرمی‌گیرد؛ کادری که چهار سال فرصت داشته، اما در مهم‌ترین آزمون خود نتوانسته انتظارات را برآورده سازد. افکار عمومی و جامعه فوتبال حق دارند عملکرد تیم ملی را بر اساس نتایج در مهم‌ترین صحنه‌های فوتبال ارزیابی کنند. فدراسیون فوتبال باید با نگاهی کارشناسانه و فرآغ از هرگونه ملاحظه، درباره آینده نیمکت تیم ملی تصمیم‌گیری کند. با توجه به زمان اندک باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ در عربستان، هرگونه تعلل در تصمیم‌گیری می‌تواند فرصت آمادسازی برای این رقابت مهم را نیز کاهش دهد.

سوزه

دعوتی پرهزینه، حضوری بی‌نرم

سفر توریستی بازیکن درگه به جام جهانی

گروه ورزشی/ لیست نهایی تیم ملی برای جام جهانی ۲۰۲۶، یک نام متفاوت در خود داشت؛ دنیس درگاهی، مهاجم دوگه‌ای که با کالی پوروکراسی و صرف‌زمان، به جمع ملی‌پوشان رسید اما در نهایت حتی یک دقیقه هم فرصت حضور در زمین پیدا نکرد؛ مهاجمی که بیشتر شبیه یک گزینه روی کاغذ بود تا مهره‌ای برای تغییر جریان بازی درگاهی در حالی مسافر جام جهانی شد که نشانه‌ای از اعتماد واقعی کادر فنی به او دیده نمی‌شد. نه در لحظات گره‌خوره بازی و نه حتی در دفاعی که تیم نیاز مبرم به گل داشت، او هرگز از روی نیمکت بلند نشد. این در شرایطی بود که امیر قلعه‌نویی ترجیح داد از شهریار مغالطه‌و علی علیپور استفاده کند؛ تصمیمی که عملاً جایگاه دنیس درگاهی را به گزینه سوم یا حتی چهارم خط حمله تنزل داد.

این انتخاب وقتی بیشتر زیر ذره‌بین می‌رود که به فهرست بازیماندگان نگاه کنیم؛ جایی که نام‌هایی مثل الهیار صیادمندش، محمدجواد حسین‌نژاد، سعید سحرخیزان و حتی استعدادهای جوان تری مثل کسری طاهری و پوریا شهرآزادی دیده می‌شود. بازیکنانی که هم از نظر آماری فصل قابل دفاع‌تری داشتند و هم می‌توانستند با حضور در چنین تورنمنتی، سرمه‌پایه‌ای برای آینده فوتبال ایران باشند.

نگاهی به عملکرد باشگاهی درگاهی نیز این تردید را پررنگ‌تر می‌کند؛ وی گل در ۲۷ بازی برای استاندرد لیژ، بدون حتی یک پاس گل. آثاری که نه تنها چشمگیر نیست، بلکه در مقایسه با صیادمندش یا حتی برخی گزینه‌های داخلی، در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد. مسأله فقط یک انتخاب نیست؛ بلکه بحث برسر فلسفه دعوت است. وقتی برای جذب یک بازیکن زمان و انرژی زیادی صرف می‌شود، انتظار می‌رود خروجی فنی مشخصی هم داشته باشد. اما در مورد دنیس، این معادله هرگز برقرار نشد؛ نه تجربه‌ای به تیم اضافه شد و نه آینده‌ای ساخت.

حالا پرسش اصلی همچنان برای افکار عمومی و علاقه‌مندان به فوتبال بایرجاست؛ اگر قرار نبود دنیس درگاهی در جام جهانی بازی کند، چرا این فرصت از دست جوان‌تر گرفته شد؟ نسلی که می‌توانست در فضای جام جهانی، آینده شود و سرمه‌پایه‌ای واقعی برای سال‌های بعد فوتبال ایران باشد.

مهری زنجیر/ محمد نصرتی، کارشناس فوتبال ایران، معتقد است روند تغییر

نسل در تیم ملی تا آغاز جام ملت‌های آسیا به‌صورت طبیعی اتفاق خواهد افتاد؛ موضوعی که از نگاه او بیش از هر چیز به کاهش انگیزه در میان برخی بازیکنان باتجربه بازمی‌گردد.

او دراین باره در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «درست است که میانگین سنی تیم ما در جام جهانی بالا بود، اما این مسأله لزوماً به معنای افت کارایی نیست. به‌عنوان مثال، رامین رضائیان یکی از مسن‌ترین بازیکنان تیم

«ایران» **ضرورت تغییر نسل در تیم ملی فوتبال کشورمان را بررسی می‌کند**

فصل وداع با ستاره‌های خاموش

سینا حسینی / حذف تیم ملی فوتبال ایران از جام جهانی ۲۰۲۶ را نمی‌توان صرفاً یک اتفاق پیش‌بینی‌نشده یا محصول بدشانسی دانست؛ این حذف، پیش از هر چیز، بازتاب روندی است که در سال‌های اخیر به‌تدریج شکل گرفته و اکنون در یکی از مهم‌ترین صحنه‌های فوتبال جهان خود را نشان داده‌است. هرچند در فضای عمومی همچنان عده‌ای در نقش شانس تأکید دارند، اما در سطح رقابت‌های جام جهانی، شانس هرگز عامل تعیین‌کننده یک مسیر کامل نیست و تنها می‌تواند بر جزئیاتی از یک مسابقه اثر بگذارد، نه سرنوشت یک تیم در یک تورنمنت بزرگ. آنچه امروز بیش از هر نکته‌ای در تحلیل وضعیت تیم ملی به چشم می‌آید، نبود یک نگاه راهبردی، پیام‌تر از آن، فقدان اعتقاد واقعی به نسل جوان است. جوانگرایی زمانی معنا پیدا می‌کند

که نه در حد شعار، بلکه در عمل به یک اصل تبدیل شود. پروژه‌ای که پس از جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ و عده آغاز آن داده شد، در اجرا با تردید و محافظه‌کاری همراه بود و نتوانست جایگاه خود را در ساختار فنی تیم ملی تثبیت کند. ترکیب تیم در جام جهانی نشان داد که همچنان تکیه اصلی بر بازیکنان باتجربه است و فرصت چندانی برای بزرگ اما کم‌کارایی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است؛ تصمیمی دشوار اما تعیین‌کننده که در گذشته نیز نمونه موفق آن را دیده‌ایم. در مقطعی که کارلوس کی‌روش هدایت تیم ملی را برعهده گرفت، با وجود حساسیت‌ها و انتقادات فراوان، بازیکنان مطرحی چون هادی عقیلی، مهدی رحمتی و محمدرضا خلعتبیری از تیم ملی کنار

گذاشته شدند؛ تصمیمی که در نهایت به ایجاد نظم، رقابت و شکل‌گیری یک نسل تازه کمک کرد. امروز نیز فوتبال ایران در موقعیتی مشابه قرار دارد و بدون چنین جسارتی، تغییرات بنیادین حاصل نخواهد شد. نداید گرفتن این ضرورت، پیامدهایی فراتر از یک تورنمنت دارد. بازیکنان جوانی که می‌توانستند در چنین میدانی تجربه‌اندوزی کنند، با پشت خط ماندند یا اساساً از دایره انتخاب خارج شدند. این روند نه‌تنها به رشد فردی این استعدادها آسیب می‌زند، بلکه در بلندمدت تیم ملی را با خلأیی جدی در انتقال تجربه و حفظ پویایی مواجه می‌کند. تیمی که در زمان مناسب پوست‌اندازی نکند، ناگزیر در مقاطع حساس با افت بدنی، کاهش انگیزه و فرسایش تاکتیکی روبرو خواهد شد.

مسأله نگران‌کننده دیگر، تداوم حضور بازیکنانی است که با از شرایط مسابقه دور هستند یا حتی تیم باشگاهی مشخصی ندارند. این پرسش جدی مطرح است، چرا در شرایطی که استعدادهای نوظهور و آماده می‌توانند در ترکیب تیم ملی قرار گیرند، همچنان این جایگاه به بازیکنان مصدوم، یا به سن گذاشته یا بدون تیم اختصاصی می‌یابد. چنین رویکردی نه‌تنها عدالت رقابتی را زیر سؤال می‌برد، بلکه انگیزه نسل جوان را نیز کاهش می‌دهد و پیام روشنی از بی‌اعتمادی به آینده ارسال می‌کند.

در شرایط کنونی، اهمیت زمان بیش از هر عامل دیگری احساس می‌شود. فاصله کوتاه تا رقابت‌های جام ملت‌های آسیا، فرصتی محدود است. تعیین‌کننده برای بازنگری در رویکرد محسود فوتبال ایران بیش از پنج دهه است که در حسرت

نصرتی با اشاره به اجتناب‌ناپذیر بودن تغییر نسل در فوتبال ایران ادامه می‌دهد: «تغییر نسل نه کار ساده‌ای است و نه غیرممکن. جابه‌جایی بازیکنان در هر تیمی اجتناب‌ناپذیر است، اما در این میان جوانان باید قدر فرصت‌های خود را بدانند و بهترین استفاده را از آن ببرند.» او همچنین نسبت به ادامه حضور برخی بازیکنان باتجربه در تیم ملی انتقاد دارد: «بدون شک اگر جام جهانی به‌جای هر چهار سال، هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شد، برخی بازیکنان تمایل بیشتری برای ادامه حضور در تیم ملی داشتند. اما واقعاً جای سؤال است که چرا بعضی از بازیکنان تمایلی به خداحافظی ندارند و ترجیح می‌دهند به‌تدریج کنار گذاشته شوند. قطعاً خداحافظی محترمانه بسیار بهتر از جدایی همراه با فشار و انتقاد است. به نظر من، بازیکنان باتجربه باید خودشان کنار بروند و فضا را برای جوان‌ترها باز کنند.» او در ادامه با اشاره به لزوم میدان دادن به استعدادهای جوان گفت: «شاید برخی بازیکنان کیفیت لازم را برای تحمیل خود به سرمربی نداشتند، اما در هر صورت باید به نفراتی مثل مهدی هاشم‌نژاد، امیرمحمد رزاقی نیا، دانیال ایبری و حسین‌زاده فرصت داده شود تا در چرخه تیم‌ملی قرار بگیرند، تجربه کسب کنند و برای جام جهانی آینده آماده شوند.»

نصرتی درباره عدم استفاده از بازیکنان جوان در جام جهانی نیز توضیح می‌دهد: «شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که امیرقلعه‌نویی نتوانست ریسک کند و به جوانان میدان بدهد. پیش از جام جهانی هم گفته

بودم اگر جای او بودم، ترکیبی از بازیکنان باتجربه و جوان را به مسابقات می‌بردم تا جوان‌ترها با فضای بین‌المللی آشنا شوند. متأسفانه برخی بازیکنان مصدوم نیز به تیم اضافه شدند که آمادگی حضور در این رقابت‌ها را نداشتند.» او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به فشار انتظارات برای قهرمانی در آسیا

شاید برخی بازیکنان کیفیت لازم را برای تحمیل خود به سرمربی نداشتند، اما در هر صورت باید به نفراتی مثل هاشم‌نژاد، رزاقی نیا، دانیال ایبری و حسین‌زاده فرصت داده شود تا در چرخه تیم‌ملی قرار بگیرند تجربه کسب کنند و برای جام جهانی آینده آماده شوند



www.fifa.com

بود، اما عملکرد بسیار خوبی ارائه داد. بنابراین، سن بالا به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده نیست؛ بلکه طرز فکر، سبک زندگی حرفه‌ای و میزان توجه بازیکن به حفظ آمادگی بدنی اهمیت دارد. با این حال، انگیزه مهم‌ترین فاکتور است که می‌تواند در ادامه مسیری تیم ملی تأثیرگذار باشد. طبیعی است برخی بازیکنان علاوه بر سن بالا، انگیزه کافی برای حضور در جام ملت‌های آسیا نداشته باشند و همین موضوع احتمال خداحافظی آنها را افزایش می‌دهد.»

علی موسوی، مهاجم پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

برای پیشرفت در فوتبال هیچ برنامه‌ای نداریم

نسل جدید شده‌است. این مسأله قطار نتیجه‌گرایی فوتبال ایران را به مدت طولانی از مسیر اصلی خارج کرده‌است. واقعیت این است که هیچ برنامه‌ریزی مشخصی برای آینده نداریم.» او در ادامه با اشاره به میانگین سنی بالای تیم ملی و ثبت نام ایران به‌عنوان یکی از پیرترین تیم‌های حاضر در مسابقات جام جهانی، به موضوع جوان‌گرایی می‌پردازد: «سال‌هاست درباره جوان‌گرایی صحبت می‌شود، اما در عمل چیزی نمی‌بینیم. اگر خودمان بلد نیستیم، حداقل از کشورهایی مثل ژاپن، استرالیا و کره‌جنوبی الگوبرداری کنیم. باید بازیکنان ۲۰ تا ۲۴ ساله را به میدان‌های بزرگ مثل جام ملت‌ها بفرستیم تا تجربه کسب کنند و برای جام جهانی بعدی در اوج آمادگی باشند. تیمی که ما برای ۲۰۲۶ داشتیم، نیازمند یک تغییر نسل کامل بود.» مهاجم پیشین تیم ملی با نگاهی انتقادی به عملکرد کادر فنی



توضیح می‌دهد: «اگر بعد از جام ملت‌های قطر جوان‌گرایی کرده بودیم به این وضعیت گرفتار نمی‌شدیم، حالا باید همه اعضای کادر فنی باسختی عملکرد خود باشند. بازیکنان زحمت خود را کشیدند، اما با این شرایط، صعود از چنین گروهی بیشتر شبیه رویا بود. مقابل تیمی مثل نیوزیلند که در ده ۶۸ جهان قرار داشت، به نسای رسیده‌م و برابر دو تیم دیگر هم ترس از گل خوردن، جسارت بازی حرفه‌ای از ما گرفته شد. بدون تعارف، برخی مربیان ایرانی چه در باشگاه‌ها و چه در دست ملی، بیش از هر چیز به نتیجه‌گوتاهمدت فکرمی‌کنند. ما برنامه نداریم و حاضر نیستیم از یک مربی خارجی حرفه‌ای با یک برنامه ۸ تا ۱۰ساله برای توسعه فوتبال مان استفاده کنیم.» موسوی در پایان، با اشاره به فرهنگ پاسخ‌گویی در فوتبال ایران، از نبود مسئولیت‌پذیری انتقاد می‌کند: «در فوتبال ایران همیشه دنبال مقصر می‌گردیم، اما هیچ‌کس مسئولیت

قهرمانی در این رقابت‌ها باقی‌مانده و نشانه‌های تکرار این ناگامی، زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که می‌بینیم رویکردهای پیشین همچنان بدون تغییر ادامه دارند.

بی‌تردید فوتبال ایران از نظر فنی همچنان در زمره قدرت‌های آسیا قرار دارد و از ظرفیت‌های قابل توجهی بهره می‌برد. اما این ظرفیت زمانی معنا پیدا می‌کند که به موفقیت‌های ملموس منجر شود. در چنین فضایی، جوانگرایی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه ضرورتی حیاتی است؛ موضوعی که تحقق آن در گرو اعتماد واقعی به نسل جدید، شجاعت در تصمیم‌گیری و اصلاح معیارهای انتخاب بازیکنان خواهد بود. در غیر این صورت، خطر تداوم ناگامی و عقب‌ماندن از رقابیی که با سرعت بیشتری در حال نوسازی هستند، همچنان فوتبال ایران را تهدید خواهد کرد.

اشاره می‌کند: «انتظار قهرمانی از تیم ملی در جام ملت‌های آسیا کار جوان‌گرایی را دشوار می‌کند. در چنین شرایطی دورویکرد وجود دارد؛ یا حفظ شاکله فعلی تیم و اضافه کردن تدریجی بازیکنان جوان برای جلوگیری از نوسان، یا انتخاب یک سرمربی جدید با دیدگاه و استراتژی متفاوت برای ایجاد تحول اساسی و تغییر نسل.» نصرتی در ادامه با اشاره به سبک بازی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ توضیح می‌دهد: «در فوتبال مدرن، بازی از خط دفاع و حتی دروازه‌بان آغاز می‌شود و تیم‌ها با پاس‌کاری از عقب زمین موقعیت‌سازی می‌کنند. قوانین جدید نیز به افزایش جذابیت بازی کمک کرده و از اتلاف وقت جلوگیری می‌کند. اما ما هنوز این سبک را در تیم ملی و حتی در سطح باشگاهی به‌خوبی اجرا نمی‌کنیم.»

او نبود زیرساخت مناسب را یکی از موانع اصلی پیشرفت فوتبال ایران می‌داند: «زیرساخت‌ها حلقه گمشده فوتبال ایران هستند. کیفیت زمین‌های تمرینی و مسابقه تأثیر مستقیمی بر اجرای فوتبال مدرن دارد. در جام جهانی دیدیم که زمین‌ها چندین بار آبیاری می‌شوند تا سرعت بازی افزایش یابد. اما در لیگ ایران چنین امکاناتی وجود ندارد و نمی‌توان انتظار اجرای فوتبال مدرن را داشت.» نصرتی حذف ایران در مرحله مقدماتی جام جهانی را ناشی از کمبود شجاعت دانست و گفت: «شاید این صحبت برای برخی خوشایند نباشد، اما باید واقع بین بود. تیم ملی در مقایسه با برخی تیم‌های آسیایی، گروه نسبتاً مناسبی داشت و می‌توانست عملکرد بهتری ارائه دهد. اگر تیم با جسارت بیشتری بازی می‌کرد، بویژه در دیدار اول، می‌توانست مسیر صعود را هموار کند. حتی در برخی بازی‌ها مانند دیدار مقابل نیوزیلند، بلژیک و مصر، شرایطی ایجاد شد که می‌شد به پیروزی رسید، اما تیم از این فرصت‌ها استفاده نکرد.» او در پایان تأکید کرد: «تیم ملی در جام جهانی سه تساوی به‌دست آورد، اما این نتایج دستاورد قابل توجهی محسوب نمی‌شود. با کمی جسارت و تصمیم‌گیری بهتر، می‌شد نتایج متفاوتی رقم‌زد.»



نبرد تاکتیکی به امیدصعود

مکزیک با کسب سه پیروزی متوالی و ثبت ۹ امتیاز کامل، با اقتدار راهی مرحله حذفی شده و اکنون به‌عنوان یکی از تیم‌های روی تورنمنت شناخته می‌شود. ساختار منسجم دفاعی در کنار انتقال سریع از فاز دفاع به حمله، از شاخصه‌های اصلی بازی این تیم بوده‌است؛ به‌گونه‌ای که میانگین مالکیت مؤثر و خلق موقعیت‌های گلزنی آنها در مرحله گروهی در سطح قابل قبولی قرار داشته‌است. مکزیکو با بویژه در کناره‌ها خطرناک ظاهر شده و با استفاده از سرعت و وینگرها، خطوط دفاعی حریفان را تحت فشار قرار داده‌اند. در سوی مقابل، اکوادور به‌عنوان تیم سوم گروه خود، با وجود نوسان در نتایج، شایستگی‌های فنی‌اش را به نمایش گذاشته‌است. این تیم نشان داده که در بازی‌های پر فشار، توانایی حفظ انسجام تاکتیکی و استفاده از ضدحملات را دارد. میانگین دوندگی بالا و درگیری‌های فیزیکی موفق، از نقاط قوت اکوادور محسوب می‌شود که می‌تواند ریتم بازی مکزیک را مختل کند. از دیدگاه آماری، مکزیک برتری محسوسی در نرخ تبدیل موقعیت به گل دارد، اما اکوادور در نبردهای میانه میدان و توپ‌گیری عملکرد قابل توجهی داشته‌است. بر همین اساس، این دیدار می‌تواند تقابل کنترل بازی از سوی مکزیک و تلاش برای برهم زدن نظم بازی توسط اکوادور باشد؛ جایی که جزئیات تاکتیکی و تمرکز لحظه‌ای، تعیین‌کننده تیم برنده خواهد بود.

ملاقات بامدعی ترسناک

دیدار تیم ملی فرانسه و تیم ملی سوئد در مرحله حذفی، تقابل تیمی با ثبات تاکتیکی برابر حریفی سرسخت و عملکردست. فرانسه با هدایت دیدیده دشان در مرحله گروهی با کسب ۹ امتیاز و سه پیروزی متوالی، میانگین مالکیت بالای ۵۵ درصد و نرخ تبدیل موقعیت قابل توجه، نشان داده که در فاز تهاجمی بسیار کارآمد است. ساختار ۴-۲-۳-۱ این تیم، با انتقال سریع از میانه به یک‌سوم هجومی و استفاده از وینگرهای سرعتی، خطوط دفاعی حریف را به راحتی دچار گسست می‌کند. در سوی مقابل، سوئد با ۴ امتیاز و به‌عنوان یکی از بهترین تیم‌های سوم صعود کرده، بیشتر بر انسجام دفاعی و بازی مستقیم تکیه دارد. میانگین گل خورده پایین‌تر از یک گل در هر بازی، نشان‌دهنده فشردگی خطوط و تمرکز بالا در دفاع منظمه‌ای است. در فاز حمله، سوئدی‌ها وابستگی زیادی به ضدحملات و ارسال‌های بلند دارند که مقابل خط دفاعی منسجم فرانسه چالش برانگیز خواهد بود. فرانسه برتری محسوسی در خلق موقعیت بالاتر و تعداد شوت در چارچوب دارد، در حالی که سوئد در نبردهای فیزیکی و توپ‌های هوایی خطرناک‌تر است. نقطه تعیین‌کننده این دیدار، توانایی فرانسه در شکستن بلوک دفاعی سوئد و مدیریت لحظات انتقالی خواهد بود؛ جایی که کوچک‌ترین اشتباه می‌تواند سرنوشت مسابقه را تغییر دهد.